

بررسی تاثیر استراتژی کسب و کار بر ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی با ناکارایی سرمایه گذاری شرکتها

پیمان ایمان زاده^۱، سپیده مرادی اسطخ زبیر^۲

^۱ استادیار، گروه حسابداری، واحد تالش، دانشگاه آزاد اسلامی، تالش، ایران، Pi_imanzade@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی شهریار آستارا

چکیده-هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر استراتژی کسب و کار بر ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی و ناکارایی سرمایه گذاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در همین راستا اطلاعات مالی ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش حذف سیستماتیک به عنوان نمونه آماری تحقیق استخراج، و در طی دوره ۶ ساله (۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸) بررسی شده است. تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی می باشد و در آن از روش همبستگی استفاده می شود. همچنین از نظر زمانی نوعی تحقیق پس رویدادی است. تحلیل آماری داده ها با نرم افزار آماری Eviews و در سطح اطمینان ۹۵ درصد انجام گرفت و برای آزمون فرضیه ها از روش آماری داده های پانل و الگوی رگرسیون خطی استفاده شد. شواهد تجربی به دست آمده از آزمون فرضیات حاکی از این است که مسئولیت پذیری اجتماعی با کارایی سرمایه گذاری شرکتها رابطه معناداری ندارد. استراتژی کسب و کار شرکت با کارایی سرمایه گذاری شرکتها رابطه معکوس و معناداری دارد. همچنین استراتژی کسب و کار شرکت بر ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و ناکارایی سرمایه گذاری شرکتها تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

کلید واژه- استراتژی کسب و کار، مسئولیت پذیری اجتماعی، سرمایه گذاری، ناکارایی سرمایه گذاری

۱- مقدمه

یکی از قابل تأمل ترین و چالش برانگیزترین مسائل عصر حاضر، بحث توسعه اقتصادی است. از عوامل مؤثر بر رشد و توسعه پایدار اقتصادی، سرمایه گذاری مؤثر است. بدین منظور، یک واحد اقتصادی برای سرمایه گذاری در طرح های مختلف، باید حد یا میزان سرمایه گذاری را با توجه به محدودیت منابع مورد توجه قرار دهد (مدرس و حصارزاده، ۱۳۸۷: ۸۶).

تئوری نئوکلاسیک، شرکتها باید همه پروژه های با ارزش و خالص مثبت کنونی خود را پیگیری کرده و همه پروژه های ارزش خالص منفی کنونی خود را نادیده بگیرند. این شرکتها به منظور به حداکثر رساندن ارزش خود فرآیند سرمایه گذاری خود را تا زمانی انجام می دهند که منافع حاشیه ای آنها با هزینه حاشیه ای این پروژه ها برابری کند. با این وجود، بدنه بزرگی از مقالات ارائه شده در این زمینه با این فرضیه تضاد و ناهمخوانی دارند. اصطلاحکام های بین سرمایه و بازار می تواند مانع از انجام همه سرمایه گذاری های کارا توسط مدیران گردد. در اینصورت

شرکتها ممکن است از سطوح بهینه سرمایه گذاری خود منحرف شوند و بنابراین از دو حالت نامناسب بیش سرمایه گذاری و کم سرمایه گذاری رنج ببرند. کارآیی سرمایه گذاری شامل شناسایی، تأمین مالی و اجرای پروژه های با ارزش فعلی خالص مثبت در نظر گرفته شده است و ناکارایی سرمایه گذاری نیز نادیده گرفتن فرصت های سرمایه گذاری با خالص ارزش فعلی مثبت (سرمایه گذاری کمتر از حد) و یا انتخاب پروژه های با خالص ارزش فعلی منفی (سرمایه گذاری بیش از حد) تعریف شده است. در بازارهای ناکارا تصمیمات سرمایه گذاری و تأمین مالی جدا از هم نیستند (مایرز و مجلوف، ۱۹۸۴: ۱۸۹). طبق تحقیقات بیشماری که صورت گرفته است، عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت می تواند نقشی کلیدی را در تصمیمات استراتژیک سرمایه گذاری به واسطه تاثیرگذاری بر نسبت های مالی شرکتها ایفا کند. انطباق با فعالیت های مسئولیت اجتماعی شرکت که منجر به عملکرد برتر مسئولیت اجتماعی می گردد باعث تسهیل در دستیابی به منابع مالی خارجی می گردد و در نتیجه به